

تعلیقات آمده: «ساباط، سایبان جلوی در منازل»؛ (ص ۹۵۳، شماره ۱۴۷). یا به مآخذی ارجاع داده شده که اینک اثری از آنها در دست نیست: «... امام [حسن (ع)] به شهادت اکثر مورخین (از جمله «قیام الحسن» تألیف ابراهیم بن محمد بن هلال ثقفی) از بزرگترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است»؛ (ص ۱۰۴۴، شماره ۲۱۷). معلوم نیست چرا چنین کشف عظیم محیر العقولی را به چنان مآخذی که در دست نیست، ارجاع داده‌اند.

اینها نمونه‌های بسیار اندکی از مسائل مقدمه و تعلیقات بود و در حقیقت حکم «مشت نمونه خروار» داشت. این گفتار کوتاه را با ذکر نکته‌ای درباره ترجمه به پایان می‌برم: درباره این ترجمه تاکنون بحث‌هایی شده، اما مسائل بسیاری همچنان ناگفته مانده است از جمله آنکه: این ترجمه موجب رواج برخی اغلاط درباره این اعثم بوده است و می‌باید آنها را اصلاح کرد. درباره ارزش ادبی و انتساب این ترجمه به قرن ششم، مصحح نکاتی آورده‌اند که کافی نیست و به خاطر آن چند لغت که در مقدمه برای اثبات ارزش ادبی این ترجمه ذکر کرده‌اند (ص بیست و شش به بعد)، و «ایجاز در نثر» نمی‌توان به سادگی تاریخ آن را به قرن ششم رساند. از همه شگفت‌انگیزتر اینکه مصحح، ابتدا اشاره‌ای به متن چاپی اصل عربی کتاب نکرده‌اند و بنا بر این بر اساس این چاپ نمی‌توان دریافت این ترجمه تا چه حد واقعاً «ترجمه» فتوح ابن اعثم است و احیاناً چه اختلافاتی با اصل آن دارد؟ محمد بن احمد مستوفی هر وی ناشناخته است و معلوم نیست مصحح به چه دلیلی او را از «محققان» خوانده‌اند. افسوس که چاپ جدید نیز گاهی از کار فرو بسته این ترجمه نگشوده و باید صاحب همتی که حقیقتاً «مصحح» باشد و نه ناقل «اختلاف نسخ»، از نو به آن بپردازد.

## نگاهی به تشیع در هند

بهاءالدین خرمشاهی

تشیع در هند، جان نورمن هالیستر، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ۵۳۹ صفحه.

تشیع با دربرداشتن فرقه‌های مهمی چون زیدیه و اسماعیلیه و از همه مهمتر امامیه اثناعشریه مهمترین و با فرهنگ ترین مذهب در میان مذاهب اسلامی است که اگر از نظر جمعیت و تعداد پیروان نسبت به تسنن- مذهب رسمی و سواد اعظم اسلام- در اقلیت است، از نظر فرهنگی و فرهنگمندی و فرهنگ آفرینی، به هیچ وجه در اقلیت نیست، به ویژه آنکه این فرهنگ با تمدن ایرانی ربط و پیوندی عمیق و وثیق دارد، چندانکه صاحب نظری چون هانری کربن آن را اسلام ایرانی نامیده است. با این وصف جای تعجب است که فقط آثار معدودی در تاریخ و شرح کارنامه فرهنگی تشیع نگاشته شده است؛ به طوری که حتی یک تاریخ جامع و معیار (استاندارد) که حق موجودیت تاریخی و فرهنگی تشیع را ادا کرده باشد، در اعصار قدیم یا عصر جدید نوشته نشده است. در چنین متن و زمینه‌ای، انتشار ترجمه فارسی اثر محققانه جان نورمن هالیستر با عنوان تشیع در هند، به قلم خانم دکتر آرمیدخت مشایخ فریدنی (استاد دانشگاه و مدیر گروه تاریخ در

حاشیه:

(۴) ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۱ ق، ج ۱/ ص ۱۳۸: «... و صنف تاریخاً من أول دولة المأمون الی آخر دولة المقتدر...».

(۵) آقابزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۳/ ص ۲۲۰)، تاریخ ۳۱۴ ق را به استناد یاقوت آورده که احتمالاً سهو القلم است؛ زیرا در هیچ یک از نسخه‌های چاپی یاقوت (و جدیدترین چاپ آن به همت احسان عباس که برخی بخشهای مفقود و افتاده را نیز شامل می‌شود) چنین چیزی دیده نمی‌شود و با توجه به آنچه آوردیم، نباید هم باشد.

(۶) دانشنامه ایران و اسلام، ج ۳، ص ۴۲۴. به احتمال بسیار، این اشتباه درباره نام شعبان، از مقاله محمدحسین روحانی (راهنمای کتاب، سال ۱۹، ص ۴۵۰) به این مقدمه راه یافته است. ضمناً نظرات عرب گریبانة شعبان در کتاب انقلاب عباسی نقد و بررسی شده است.

(۷) رجوع شود به مقاله اوزولا سزگین در 1-2، p. 131، 1981، ZDMG.

(۸) یاقوت، همانجا.

(۹) برای تفصیل بیشتر رجوع شود به عنوان «ابومخنف» در جلد ششم دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

(۱۰) یاقوت حموی، معجم البلدان، به کوشش ووستنفلد، ج ۳/ ص ۳-۴.

پژوهشگاه علوم انسانی) جای شکر و شادی دارد.

تشیع در هند در ۲۶ فصل تدوین یافته است:

● فصل اول با عنوان «فرقه‌های اسلام و ظهور مذهب تشیع» است. جان کلام این فصل این است که علی‌رغم تعارف‌هایی که بعضی از علمای فریقین کرده‌اند، در اسلام فرقه یا مذهب‌های جدا از مذهب رسمی اهل سنت وجود دارد و تشیع یکی از آنهاست. «پس از گذشت بیش از سیزده قرن، هنوز حساس‌ترین محل اختلاف بین سنی و شیعه، نظر ایشان نسبت به سه خلیفه اول است.» (ص ۷).

● فصل دوم «علی در مقام خلافت» عنوان دارد. اولین بند این فصل بسیار پر نکته است: «علی (ع) در مقام خلافت به تاریخ تعلق دارد و در مقام امام به عالم تشیع متعلق است، و در این عالم شخصیتی برجسته و برتر از همگان دارد. غالب اهل سنت نیز این نکته را می‌پذیرند که او معنای وصی و وارث پیامبر (ص) بود، لیکن اهل تشیع از این بسیار فراتر می‌روند.» (ص ۱۵).

● فصل سوم «مذهب اثنی‌عشری - بخش اول» نام دارد. در آغاز این فصل می‌خوانیم: «مقارن رحلت حضرت رسول (ص) اصول عقایدی که خاص شیعه باشد وجود نداشت.» (ص ۲۶). مؤلف بر آن است که اصول عقاید شیعه هم مانند مذاهب دیگر، دفعی و خلق الساعه نبوده و تکوین و تکامل تاریخی داشته است. همچنین هوشمندانه به ربط و پیوند و همسویی فکری و رهیافت عقلی - تأویلی معتزله با شیعیان اشاره دارد (ص ۲۹ و ۳۰). نیز در همین فصل از ربط و پیوند فکری - فرهنگی تشیع و تصوف سخن می‌گوید. (ص ۳۰ و ۳۱). سپس در همین فصل به مبحثی با عنوان «اصول مذهب تشیع» می‌رسیم: «اصول دین اسلام، به ترتیبی که در مذهب اهل سنت مقبول است، چهار چیز است: قرآن، سنت یا احادیث، اجماع یا اتفاق و قیاس یا عقل.» (ص ۳۲). باید گفت این تعبیر مؤلف که اصول دین اسلام را کتاب و سنت و اجماع و عقل می‌داند، درست نیست. اصول دین اسلام، یعنی اصول عقیدتی اسلام سه چیز است: توحید، نبوت و معاد. و اصول مذهب تشیع پنج چیز است که امامت و عدل را بر آن سه اصل اضافه دارد. این چهار چیز که مؤلف بر شمرده است، به «ادلّه اربعه» معروف است که اصول استنباط احکام فرعی است. در دنباله همین فصل در ذیل «قرآن» چنین آمده است که «شیعیان نیز موافق با سنیان قرآن را نخستین رکن مذهب خود می‌دانند و بسیار معظم می‌شمارند.» (ص ۳۲). سپس به دنبال آن قول به تحریف یافتگی قرآن را به شیعه نسبت می‌دهد که ناروا و نادرست است. (برای تفصیل مسأله، از جمله ر.ک. مقاله «تحریف ناپذیری قرآن»، نوشته راقم این سطور در *دایرة المعارف تشیع*، جلد چهارم). سپس به مهمترین اختلافی که درباره قرآن بین شیعه و اهل سنت وجود

دارد اشاره می‌کند و آن این است که «در نظر اهل سنت قرآن غیر مخلوق و قدیم و ازلی است، در حالی که شیعه قائل به خلق و حدوث قرآن است.» (ص ۳۳). مترجم دانشور این اثر، یادداشتهای ارزنده و کوتاهی که در پایان کتاب برای حل مبهمات و مشکلات و متمیم فایده و به دست دادن سر رشته برای تحقیق بیشتر نگاشته‌اند، در اشاره به این مبحث چنین آورده‌اند: «درباره مخلوق بودن قرآن که از مسائل باریک کلامی است مراجعه کنید به *المغنی قاضی عبدالجبار* و شرح *مواقف جرجانی*.» (ص ۴۸۰). در اینجا به چند منبع مهم قدیم و جدید درباره این مسأله اشاره می‌شود: ۱ و ۲) *مقالات الاسلامیین و الابانۀ* هر دو اثر ابوالحسن اشعری؛ ۳) *تاریخ طبری*، ذیل حوادث سال ۲۱۸ ق که شرح می‌دهد چگونه مأمون معتزله گرا، تفتیش عقاید شدیدی به نام «محنة» (هم‌ریشه با امتحان و محنت) بر پا کرد، یعنی امتحان اعتقادی علماء (مخصوصاً قضاة و محدثین) در این مورد و ادا داشتن آنان به اینکه قائل به حدوث قرآن شوند، که در غیر این صورت آنان را زجر و آزار می‌داد و تحت فشار شدید و محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی (شهادت) در می‌آورد. چنانکه احمد بن حنبل را که قائل به قدم قرآن بود، یا مقر به حدوث نبود، در عصر مأمون آزارها دادند و در عصر معتصم تازیانه زدند؛ ۴) متن و شرح مقاصد تفتازانی ۱۵۲/۴. از منابع جدید: ۱) مقاله‌ای به نام «حدوث القرآن و قدمه» در *البیان آیت الله خویی*؛ ۲) مقاله‌ای به نام «محنة» در *دایرة المعارف اسلام* (به انگلیسی، طبع دوم، ج ۷)؛ ۳) کتابی مستقل و مهم در این باره به انگلیسی به نام *God's Created Speech* اثر پیترز.

مبحث بعدی از فصل سوم درباره حدیث است و پس از آن از امامت و شأن شگرف آن نزد شیعه بحث شده است. سپس از اجماع به اختصار تمام (در ۴ سطر) سخن گفته است که به هیچ وجه وافی به مقصود نیست و تفاوت نظر گاه و آرای اهل سنت و شیعه را نشان نمی‌دهد. بحث بعدی قیاس است و در آن آمده است که «مذهب شیعه اجماع و قیاس را رد می‌کند.» (ص ۴۳)؛ گفتنی است که شیعه اجماع را به شرط [احتمال] حضور معصوم یا کاشف از رأی معصوم بودن، و قیاس را به نوعی، از جمله قیاس

فصل به معرفی ائمه اطهار- علیهم السلام- از امام حسن (ع) تا امام صادق (ع) می‌پردازد. توضیح آنکه حضرت علی (ع) را در فصلهای آغازین کتاب معرفی کرده است، لذا در اینجا تکرار نمی‌کند.

● فصل ششم «امامان اثنی [= اثنا] عشریه- بخش دوم» به معرفی شش امام از امام موسی کاظم (ع) تا امام قائم (عج) می‌پردازد.

● فصل هفتم «ورود اثنی عشریه به هند- بخش اول» نام دارد. در آغاز این فصل از تشکیل سلسله شیعی بهمنی‌ها و جانشینان آنان یاد می‌کند (سالهای ۷۴۸ تا ۹۳۴ ق) و مؤسس این سلسله، حسن کاکو یا کانگو، را معرفی می‌نماید. سپس از سلسله‌های دیگری که یا شیعه یا به نوعی حامی شیعه بوده‌اند سخن می‌گوید از جمله از عادلشاهیان بیجاپور، و نظام شاهیان احمدنگر و قطب شاهیان گلکنده.

● فصل هشتم «ورود اثنی عشریه به هند- بخش دوم» نام دارد. و از دوران امپراطوران مغول که شیعه نبوده‌اند، اما به هر حال با تاریخ شیعه در هند ربط و پیوند، اعم از مثبت یا منفی، داشته‌اند سخن می‌گوید.

● فصل نهم «ورود اثنی عشریه به هند- بخش سوم» نام دارد و به توصیف بسط مذهب و فرهنگ شیعه در کشمیر می‌پردازد.

● فصل دهم «ورود اثنی عشریه به هند- بخش چهارم پادشاهی آوده» عنوان دارد. «چندی پس از آنکه اورنگ زیب پادشاهیهای شیعه دکن را مغلوب کرد، حکومت شیعه دیگری در شمال هند به نام پادشاهی آوده به قدرت رسید که پایتخت آن لکنهو بود» و بنیانگذار این سلسله میرمحمدامین موسوی نام داشت (ص ۱۷۲).

● فصل یازدهم درباره محرم است: «برگزاری مراسم محرم با نشر مذهب شیعه گسترش یافت. در هند شاید بتوان این مراسم را به بهترین وجه در لکنهو دید» (ص ۱۸۸). و این مراسم نه در مساجد، بلکه در امامباره‌ها- که نوعی حسینیه هستند- برگزار می‌گردد. در هند تعزیه از لوازم اصلی محرم است. مراد از تعزیه هندی، نه نمایش یا تئاتر مذهبی معروف است که در ایران قرن‌ها سابقه دارد، بلکه حجله یا ضریح یا قبرواره کوچکی است که به شکل قبر امام حسین (ع) و معمولاً با چوب بامبو ساخته می‌شود و بر روی دوشها حمل می‌گردد، و در جنوب هند به آن تابوت می‌گویند و در دستجات عزاداری (مانند حجله و طبق چراغ در ایران) حمل می‌گردد و از زمان تیمور (متوفی ۸۰۸ ق) رسم شده است و او بود که این تعزیه‌های کوچک را از کر بلا به هند آورد (ص ۱۸۹) [برای تفصیل بیشتر رک. «تعزیه در هند»، نوشته شادروان محمدحسین مشایخ فریدنی، در دایرةالمعارف تشیع،

منصوص العله را می‌پذیرد. در ذیل همین مبحث از اجتهاد در تشیع سخن رفته است.

● فصل چهارم «مذهب اثنی عشری- بخش دوم» نام دارد و شامل این مباحث است: الف) اصول عقاید (شامل اعتقاد به خداوند، ملائکه، کتب آسمانی، پیغمبر[ان]، روز جزا، تقدیر، آخرت یا حیات پس از مرگ) و سپس درباره نحوه اعتقاد شیعیان به خداوند، و از «قاعده لطف» بحث کرده است. همچنین می‌نویسد که شیعیان تقدیر و قضای جبری را انکار می‌کنند (ص ۴۸) و نیز بر آن است که شیعه قائل به حسن و قبح ذاتی و عقلی است (ص ۴۹) و افعال الهی را ناظر به قصد و غرض می‌داند: «تمام افعال الهی مطابق با عقل و قصد عالمانه [حکیمان] است.» (ص ۴۹؛ ب) بحث فرعی دیگر عبارت است از قول اهل سنت به دیدار الهی در قیامت و انکار شیعه آن را (ص ۴۹ و ۵۰؛ ج) مبحث بعدی درباره نبوت است با این استنباط غریب مؤلف که گویی شیعیان شأن امام را بهتر از پیامبران [سلف] می‌دانند (ص ۵۲) یا آنکه بالصراحه به ختم نبوت اعتقاد ندارند، بلکه امامان را ادامه‌دهنده رسالت یا مأموریت نبوت می‌دانند (ص ۵۲). مباحث بعدی این فصل عبارتند از: ۱) قول به وجود و حیات و غیبت حضرت مهدی (عج) که از ارکان اعتقادات شیعه است؛ ۲) فرایض دینی که بین شیعه و سنی مشترک است و عبارتند از: شهادت به وحدانیت خداوند، نماز، زکات، روزه، حج، و جهاد. سپس از تفاوت‌های نمازهای شیعیان با اهل سنت بحث شده است. از جمله اختلاف در بندهای اذان و ترتیب و آداب وضو و غیره. مباحث فرعی دیگر این فصل: جهاد، تقیه و متعه است.

● فصل پنجم «امامان اثنی عشریه- بخش اول» نام دارد. استطراداً باید گفت اثنی عشریه که در این کتاب همواره به همین صورت نوشته شده است، درست نیست، و اثناعشریه درست است. زیرا الف در «اثنا» علامت تثنیه در حالت رفع است، و الف مقصوره نیست که به صورت یاء نوشته شود. مستند ما برای صحت کتابت این کلمه، کاربرد و کتابت آن در قرآن کریم، طبق رسم الخط عثمانی کهن است، از جمله در آیه ۳۶ سوره توبه که می‌فرماید: «ان عده الشهور عندالله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله». در این

● فصل شانزدهم «ورود مستعلیان اسماعیلی به هند» نام دارد. «جماعت بُهره هند، شعبه‌ای از مستعلیان اسماعیلی هستند» (ص ۲۹۷).

● فصل هفدهم به «مذهب بُهره‌ها»، و فصل هجدهم به معرفی «جماعت کنونی بهره» اختصاص دارد.

● فصل نوزدهم درباره «امامان نزاری الموت» و فصل بیستم درباره «مذهب نزاری» است.

● فصل بیست و یکم درباره «امامان نزاری در دوره ایرانی جنبش اسماعیلی» و فصل بیست و دوم درباره «ورود اسماعیلیه نزاری به هند- بخش اول» و فصل بیست و سوم درباره «ورود اسماعیلیه نزاری به هند- بخش دوم» است.

● فصل بیست و چهارم درباره «آقاخان‌ها» است. «آقاخان اول، آقا حسن علیشاه به سال ۱۲۵۶ هـ ق/ ۱۸۴۰ م به هند آمد» (ص ۴۰۷).

● فصل بیست و پنجم درباره «مذهب خوجه‌هاست»: «اصول عقاید خوجه‌ها بی‌گفتگو عقاید مذهب نزاری است با آمیزه غربی از معتقدات مذهب هندو» (ص ۴۲۳).

● فصل بیست و ششم درباره «جماعت خوجه‌ها در زمان حاضر» است که فصل پایانی کتاب است.

تشیع در هند چنانکه رئوس مطالبش نشان می‌دهد، تاریخی تفصیلی و تحقیقی و پراطلاع است و جز دوسه مورد که اشاره شد، اطلاعات و توصیفها و تحلیلهایش درست و با منابع موثق و معتبر دیگر همخوان است گو اینکه مؤلف خود به بهترین و کهنترین منابع و تواریخ به هر زبانی (از جمله فارسی، عربی و اردو) دسترس داشته است. در آخرین صفحه کتاب (ص ۴۸۰- دو سطر مانده به آخر) که مربوط به توضیحات مترجم فارسی این اثر است، یکی دو سهواً القلم رخ داده است که یاد می‌شود: «و قیام زیدبن حسن دکنر حسن کریمان» که درست آن از این قرار است: «و قیام زیدبن علی، دکتر حسین کریمان».

ترجمه تشیع در هند که به قلم سرکار خانم آرمیدخت مشایخ فریدنی، از انگلیسی به فارسی انجام گرفته و از حسن القضا، پیش از درگذشت پدر فرزانه و هندشناس ایشان، شادروان دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی، از نظر نقاد و نکته‌سنج آن بزرگمرد گذشته است، در کمال صحت و دقت تحقیقی و نگارشی است. از نظر تولید و طبع نیز این اثر مانند سایر انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، از حروفچینی و چاپ و صحافی شایسته‌ای برخوردار است. در پایان کتاب نیز فهرست راهنمای سنجیده‌ای تنظیم و طبع گردیده است.

مجلد چهارم]. همچنین از علم و کتل و پنجه که بعضی ساخته و پرداخته دربارهای شیعه در هند بوده است، به تفصیل یاد شده است (ص ۱۹۲ به بعد). همچنین از تعزیه به معنای ایرانی آن (شبهه/ شبیه‌خوانی) نیز یاد شده است (ص ۱۹۴ به بعد). نیز از زنجیرزنی و تخته‌های میخ‌دار نوک تیز که بر سینه و پشت زده می‌شود (ص ۱۹۶). و جای شگفتی است که سنّیان و هندوان نیز گروه‌گروه در مراسم محرم در هند شرکت می‌کنند (ص ۲۰۳).

● فصل دوازدهم «جمعیت شیعه در حال حاضر» است. «شیعیان در سراسر هند پراکنده‌اند. بنابر سرشماری ۱۹۲۱ م/ ۱۳۳۸ هـ ق کمترین شمار شیعه در آسام و بیشترین تعداد آنها در پنجاب و دهلی است.» (ص ۲۰۹). در این فصل همچنین از صوفیان شیعه (ص ۲۱۳) و مناسبات شیعیان و سنّیان (ص ۲۱۵) و عتبات و زیارتگاههای مقدس شیعه (ص ۲۱۷)، روزهای مقدس شیعه، احکام و آداب شیعه سخن رفته است. و آخرین مبحث آن «آینده مذهب شیعه در هند» است.

● فصل سیزدهم به «ظهور مذهب اسماعیلیه» می‌پردازد. «جنبش اسماعیلی در اصل بدعت آمیز و برای هدم اسلام نبود، بلکه حرکتی مترقی در تشیع برای استقرار حکومت الهی و واقعاً اسلامی بود؛ به قول ایوانف نهضت اسماعیلیه «آزاداندیش‌ترین و تکامل‌یافته‌ترین شکل مذهب شیعه است.» (ص ۲۳۱).

● فصل چهاردهم به «امامان فاطمی» که با همه بعد مسافت (از شمال آفریقا و مصر) ربط و پیوند عقیدتی نزدیکی با اسماعیلیه هند داشته‌اند، می‌پردازد و تاریخچه‌ای از یکایک امامان یا خلفای فاطمی به دست می‌دهد (المهدی، قائم، منصور، معز، عزیز، حاکم، ظاهر، مستنصر، مستعلی، آمر).

● فصل پانزدهم مخصوص به شرح «مذهب فاطمیان» است. «در نظر اسماعیلیه امامت از اصول دین است و به تحقیق مقام اول را دارد. اسماعیلیه نیز همانند اثنی عشریه، امامت را به اولاد علی (ع) و فاطمه (س) محدود کرده‌اند.» (ص ۲۸۵). در اصطلاح فاطمیان امامان نخستین دور هفتگانه تا محمدبن اسماعیل را «ائم» و دومین دور را که با معز آغاز می‌شود «خلفا»، و سومین دور را که از نسل طیب شروع می‌شود «اشهاد» می‌خوانند. (ص ۲۸۵).